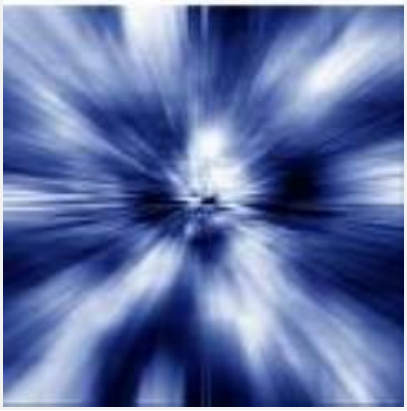

پنجشنبه 26 فروردين 1389 - 08:16

نقش كشف و شهود در تبيين جهان بيني

پس از وحي معصومانه، بالاترين روشي كه مي‌تواند تبيين مسائل جهان‌بيني را بر عهده گيرد، روش شهود عارفانه عارفان عادل است...

پس از وحي معصومانه، بالاترين روشي كه مي‌تواند تبيين مسائل جهان‌بيني را بر عهده گيرد، روش شهود عارفانه عارفان عادل است.
همان‌گونه كه معرفت حصولي داراي دو قسمت بديهي و نظري و اوّلي و غير اوّلي است، كشف و شهود نيز دو قسم دارد:
1. اگر مشهود و مكشوفْ كلّي سِعي باشد، مشاهده‌اش با يقين همراه است. شاهد در ملاقات با اسم محيط و اسمايي كه از احاطه و شمول برخوردارند، بَرد يقين را مي‌يابد. معرفت حصولي نيز هرگاه ترجمه ديدار وجود سِعي باشد، به صورت دانش حصولي عقلي با يقين قرين است.
2. اگر مشهود و مكشوفْ امور جزئي و مقيّد باشد، ممكن است تزلزل، اضطراب، تشويش و بي‌قراري در متن آن حضور داشته باشد و آرامش و يقين در آن پديد نيايد. مفاهيمي كه در ترجمه اين‌گونه از كشفهاي جزئي به وجود ذهني در سايه آن شهود پديد مي‌آيد، در پهنه حصول، علمي يقيني و عقلي به بار نمي‌آورد. چون اين‌گونه از آگاهيهاي حضوري از دانش عقلي بي‌بهره است، ارزش معرفتي و جهان شناختي حقيقي ندارد و تنها مي‌تواند در خدمت گرايشهاي جزئي صاحبان خود، نقشي كاربردي يا ارضايي داشته باشد. ترجمه صادقي كه براي اين سطح از شهود مي‌تواند به كار گرفته شود، در
حدّ تأييد برخي از مطالب سودمند است؛ نه تعليل، زيرا جزئي نه كاسب است و نه مكتسب، گرچه درباره اشخاص، اثر مخصوص خود را به همراه دارد.
تفسير انسان به انسان، ص94 .